

بررسی بازنمایی جنسیت‌گرایی در ساخت‌واژه زبان فارسی: رویکردی پیکره‌بنیاد

فاطمه فروغان گرانشایه^۱، امیرسعید مولودی^{۲*}، علیرضا خرمایی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه شیراز

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه شیراز

۳. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه شیراز

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۲

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

The Study of Sexism Representation in Persian Word Formation: A Corpus-based Approach

Fateme Foroughan Geransaye¹, Amirsaeid Moloodi^{2*}, Alireza Khormae³

1. PhD Candidate in Linguistics, Shiraz University

2. Assistant Professor in Linguistics, Shiraz University

3. Associate Professor in Linguistics, Shiraz University

Received: 2019/01/09

Accepted: 2019/05/23

Abstract

Sexism in language is a well-known discourse in linguistics. In sexist language, the choice of particular linguistic variations leads to gender bias in favor of one gender and against the other. Sexism has been widely researched through the corpus-based methods in international studies but it has not been investigated by analytical corpus processes in Iranian contexts. This study discusses sexism in Persian language word formation in Hamshahri Corpus version 2 based on Baker's (2006, 2010, 2017) corpus-based approach. To this end, the words formed by the morphemes man and woman were selected as the representative words in each gender category and the frequency and concordance were explored using Antconc. The data were then examined by first assigning semantic values to the corpus and then running statistical tests. The results showed the existence of sexism in the word formation of the Contemporary Written Persian Language; it seems that the morpheme man is used more frequently than woman in forming words in Persian Language. Moreover, the findings showed that positive characters are represented by the morpheme man and negative characters are represented by the morpheme woman. This study can reveal parts of Iranian's viewpoints of sexism in order to stop such a social problem.

Keywords: Sexism, Sexist language, Word formation, Corpus-based study, Concordance.

چکیده

جنسیت‌گرایی زبانی از گفتمان‌های مطرح در زبان‌شناسی است. در زبان جنسیت‌گرا، با استفاده از انتخاب‌های زبانی، سوگیری و گرایش به یک جنسیت دیده می‌شود. این مهم در آثار غیرایرانی با ابزارهای پیکره‌ای به‌طور گسترده مطالعه شده‌است اما در زبان فارسی کاری پیکره‌بنیاد در این زمینه انجام نگرفته است. در اثر حاضر جنسیت‌گرایی زبانی در ساخت‌واژه زبان فارسی براساس نظریه بیکر (۲۰۰۶، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۷) به‌صورت پیکره‌بنیاد در نسخه دو پیکره همشهری بررسی شده‌است. بدین منظور واژگان حاوی تکواژ مرد و زن به‌عنوان نمایندگان جنسیت مذکر و مؤنث با ابزارهای پیکره‌ای فراوانی و واژه‌نمایی در نرم‌افزار آنت‌کانک بررسی شده‌اند. داده‌ها پس از ویرایش، ارزش‌گذاری معنایی شده و با آزمون‌های آماری مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در نهایت اطلاعات حاصل از پیکره شواهدی از وجود جنسیت‌گرایی در بخش ساخت‌واژه زبان فارسی نوشتاری معاصر را نشان می‌دهد؛ به نظر می‌رسد در زبان فارسی تمایل به ساخت واژه از تکواژ مرد نسبت به تکواژ زن بیشتر است و در هنگام ساخت واژگان، خصیصه‌های مثبت با تکواژ مرد و خصیصه‌های منفی با تکواژ زن بازنمایی می‌شود. این اثر با مشخص نمودن تظاهر هر جنسیت در زبان فارسی به‌نوبه خود می‌تواند گوشه‌ای از دیدگاه جامعه ایرانی را به هر جنسیت نمایان سازد و از این آسیب اجتماعی جلوگیری نماید.

کلیدواژه‌ها: جنسیت‌گرایی، زبان جنسیت‌گرا، ساخت‌واژه، مطالعه پیکره‌بنیاد، واژه‌نمایی.

*Corresponding Author: Amirsaeid Moloodi

E-mail: amirsaeid.moloodi@gmail.com

* نویسنده مسئول: امیرسعید مولودی

مقدمه

«جنسیت‌گرایی»^۱ در زبان از جمله موضوعات مطرح در زبان‌شناسی است که به بررسی تبعیض جنسیتی و ظهور آن در زبان می‌پردازد. جنسیت‌گرایی یا تبعیض جنسیتی که به قیاس از واژه «تبعیض نژادی»^۲ ساخته شده است، شرایطی را نشان می‌دهد که در آن، یک جنسیت در فرادست و جنسیت دیگر در فرودست قرار می‌گیرد (لیتوسلیتی^۳، ۲۰۰۶). در زبان جنسیت‌گرا، با استفاده از انتخاب‌های زبانی، سوگیری و گرایش به یک جنسیت دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که یک جنسیت اصل و جنسیت دیگر بی‌اهمیت و حقیر شمرده می‌شود. لیکاف^۴ (۱۹۷۵) اظهار می‌کند که جنسیت‌گرایی در زبان بیشتر به صورت برتری مردان و کوچک شمردن زنان نمود می‌یابد.

منظور از جنسیت، جنسیت زیست‌شناختی است که «جنسیت مرد» را به عنوان مجموعه واژگان با مؤلفه‌های معنایی [+انسان، +مذکر] مانند مرد، پسر، پدر و... در مقابل «جنسیت زن» به عنوان مجموعه واژگان با مؤلفه‌های معنایی [+انسان، -مذکر] مانند زن، دختر، مادر و غیره قرار می‌دهد (صفوی، ۱۳۹۲).

از آنجاکه تحلیل گفتمان به بررسی زبان و اثرات آن، زمانی که عملاً در جهت برقراری ارتباط به کار گرفته می‌شود، می‌پردازد، اهمیت مطالعات جنسیت‌گرایی را می‌توان در تحلیل گفتمان به خوبی نشان داد. گفتمان، به معنای شیوه‌های متعارف گفت‌وگو، شیوه‌های متعارف تفکر را می‌آفریند و بازآفرینی می‌کند؛ بدین معنا که گفتمان نه تنها به نوبه خود انعکاس‌دهنده تفکری خاص است و آن تفکر خاص سبب شکل‌گیری آن گفتمان می‌شود، بلکه هر بار که آن گفتمان تکرار شود، آن تفکر خاص را نیز تقویت می‌کند (جانستون^۵، ۲۰۰۸). تکرار گفتمانی خاص در زبان، آن گفتمان را قدرتمند می‌سازد و این در حالی است که اغلب قدرت خودآگاه انسان از آن غافل است؛ بدین معنا که ذهن خودآگاه از تکرار منظم باهم‌آیی برخی واژگان در متن غافل است (هانستون^۶، ۲۰۰۲). در صورتی که گفتمان جنسیت‌گرایی در زبانی قدرتمند شود، موجب تحقیر یا نادیده گرفتن یک جنسیت و برتری و سلطه جنسیت دیگر در جامعه می‌شود.

مطالعات مربوط به جنسیت‌گرایی در دو دسته جای می‌گیرند. دسته اول مطالعاتی هستند که به بررسی تفاوت‌های سبکی زنان و مردان در استفاده از صورت‌های زبانی خاص می‌پردازند. دسته دوم نیز مطالعاتی هستند که به بررسی تظاهر هر جنسیت در زبان می‌پردازند. پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی تظاهر هر جنسیت در متن در ذیل مطالعات گروه دوم قرار می‌گیرد. زبان‌ها با توجه به چگونگی نمود جنسیت در متن به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروه اول زبان‌هایی که جنسیت دستوری دارند، مانند زبان فرانسه و گروه دوم زبان‌هایی که مقوله جنسیت را دستوری نکرده‌اند، مانند زبان فارسی (میرسعیدی، ۱۳۹۱).

جنسیت‌گرایی در زبان ممکن است به اشکال مختلفی از جمله موارد زیر نمود یابد:

۱. واژگان مرکب: بار معنایی مثبت یا منفی در کلمات مرکب حاوی تکواژ زن یا مرد، مانند زن صفت، جوانمرد (لی^۷، ۲۰۰۶).
۲. واژگان خنثی: واژگانی که علی‌رغم نداشتن مؤلفه معنایی جنسیتی، تداعی‌گر جنسیتی خاص هستند، مانند پرستار و پرستار مرد، جراح و جراح زن (همان).
۳. واژگان عام: استفاده از واژگان عام برای اطلاق به هر دو جنسیت؛ مانند: «مرد در زیر سخن پنهان است.» که منظور از مرد، انسان است (محمودی بختیاری، افخمی و تاج‌آبادی، ۱۳۹۰).
۴. کاربرد استعاره‌های زبانی خاص: تشبیه زن یا مرد به واژگانی خاص؛ مانند تشبیه زن به خرگوش یا موش، تشبیه مرد به شیر یا گرگ (همان).
۵. کنایات و ضرب‌المثل‌ها: ظهور واژه زن یا مرد در اصطلاحات؛ مانند مادر فولاد زره، مرد است و قولش (همان).
۶. افزودن وند: افزودن پسوند به واژه بی‌نشان برای ساخت واژه نشان‌دار؛ مانند شاعر و شاعره (میرسعیدی، ۱۳۹۱).
۷. عدم تقارن در واژگان: واژگان به کاررفته برای یک جنسیت معادلی مشابه در واژگان جنسیت دیگر ندارند؛ مانند واژگان دوشیزه و بانو که وضعیت تأهل زن را بیان می‌کنند در مقابل کلمه آقا که وضعیت تأهل مرد را مشخص نمی‌کند (همان). ۸. صفت‌ها: همراهی صفات با واژه زن یا مرد؛ مانند همراهی صفات زیبا، حسود با زن، همراهی صفات قوی، شجاع با مرد (همان).

1. sexism
2. racism
3. Litosseliti
4. Lakoff
5. Johnstone
6. Hunston

مبانی نظری پژوهش

پژوهش حاضر براساس نظریهٔ بیکر (۲۰۰۶، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۷) انجام شده‌است که در آن، تحلیل گفتمان نه با روش سنتی آن بلکه با استفاده از ابزارهایی که زبان‌شناسی پیکره‌ای در اختیار زبان‌شناس می‌گذارد انجام می‌شود.

امروزه پذیرش ماهیت زبان‌شناسی پیکره‌ای بسیار بحث‌برانگیز و مورد اختلاف است. در رویکرد پیکره‌محور^۷ زبان‌شناسی پیکره‌ای، نظریه‌ای زبانی و در رویکرد پیکره‌بنیاد^۸ زبان‌شناسی پیکره‌ای روش مطالعهٔ زبانی در نظر گرفته می‌شود. در رویکرد پیکره‌محور هیچ نظریه و فرضیه‌ای از پیش وجود ندارد (بیکر، ۲۰۱۷). در رویکرد پیکره‌بنیاد فرضیه یا نظریه‌ای از پیش در ذهن تحلیل‌گر وجود دارد و از پیکره برای ارزیابی آن استفاده می‌شود (مکانری و هاردی، ۲۰۱۲). به باور بیکر (۲۰۱۷) بی‌طرف بودن محض و نداشتن هیچ فرضیه و نظریه‌ای در بررسی پیکره بسیار دشوار است و ناخودآگاه تحلیل‌گر بنا به تجربیات و تعاملات اجتماعی خود پیش‌فرضی در ذهن دارد. به عقیدهٔ وی، بهترین حالت مطالعه، تلفیق این دو دیدگاه است و بهترین نتایج زمانی به دست می‌آید که رویکرد پیکره‌محور و پیکره‌بنیاد در کنار هم باشند (بیکر، ۲۰۱۷). پارتینگتون^۹ (۲۰۰۶) از این تلفیق تحت عنوان رویکرد پیکره‌یار^{۱۰} یاد می‌کند.

زبان‌شناسی پیکره‌ای به‌عنوان روش مطالعهٔ زبانی به حوزهٔ تحلیل گفتمان نیز راه یافته‌است و بر نحوهٔ استفاده از زبان برای مقاصد چون ارائهٔ تصویری خاص از دنیا، نحوهٔ تقسیم روابط قدرت و ایدئولوژی‌های متن تمرکز دارد (بیکر، ۲۰۱۰).

واژهٔ «گفتمان»^{۱۱} بسیار در مطالعات جامعه‌شناختی و زبان‌شناسی استفاده می‌شود اما ارائهٔ تعریفی دقیق از آن دشوار می‌نماید. به همین دلیل در ادامه به سه تعریف متداول‌تر آن اشاره می‌شود که تعریف سوم همان دیدگاه موردنظر بیکر نسبت به گفتمان است. گفتمان را می‌توان با استفاده از سه دیدگاه زیر تعریف نمود:

۱. تعریف اول را می‌توان تعریفی سنتی دانست که بیان می‌کند: «گفتمان، زبان بالاتر از سطح جمله^{۱۲} یا بند^{۱۳} است» (استابز، ۱۹۸۳: ۱).

۹. نقش‌های معنایی: واژگان یک جنسیت بیشتر در حالت کنش‌گر یا کنش‌پذیر ظهور می‌یابند (پیرس^۱، ۲۰۰۸).

۱۰. افعال: افعالی که با جنسیتی خاص بیشتر به کار می‌رود؛ مانند پرستاری کردن و زن، حمله کردن و مرد (همان).

جنسیت‌گرایی می‌تواند با روش‌های صرفاً کیفی و شمی موردبررسی قرار گیرد اما آنچه امروزه بسیار موردتوجه است، مطالعات پیکره‌بنیاد و کمی است. روش‌های پیکره‌بنیاد به دلیل برتری‌هایی که به روش‌های سنتی و شمی دارند، در تحلیل گفتمان نیز جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. بیکر^۲ (۲۰۱۰) بیان می‌کند زبان‌شناسی پیکره‌ای، به‌عنوان یک روش مطالعهٔ زبانی، امکان مطالعات کمی را برای زبان‌شناسان فراهم کرده‌است. روش پیکره‌بنیاد، حجم بزرگی از داده‌های طبیعی زبان را با ابزار رایانه‌ای در اختیار زبان‌شناس قرار می‌دهد و او را قادر می‌سازد تا الگوهای رایج و یا حتی نادر زبانی را در زمان کوتاه و با دقت بالا همراه با فراوانی آن‌ها بیابد و داده‌های آماری به‌دست‌آمده از جامعه‌های زبانی متفاوت را با هم مقایسه نماید. او همچنین بیان می‌کند که یافتن الگوهای زبانی از پیکره‌ها علاوه بر مطالعهٔ کمی، زبان‌شناس را قادر به مطالعهٔ کیفی نیز می‌سازد؛ زیرا درنهایت پژوهشگر است که داده‌های به‌دست‌آمده را در بافت اصلی، تحلیل می‌نماید. او باور دارد که تحلیل پیکره‌بنیاد گفتمان می‌تواند تحلیل‌های کیفی در حجم پایین را نیز بهبود بخشد و این مطالعات را تقویت سازد.

از جمله امکاناتی که پیکره‌ها برای مطالعهٔ کیفی و کمی زبان در اختیار زبان‌شناس قرار می‌دهند می‌توان به فراوانی^۳، واژه‌نمایی^۴، همانند^۵ و کلیدواژه^۶ اشاره کرد.

جنسیت‌گرایی در زبان‌های بسیاری با روش‌های پیکره‌بنیاد بررسی شده‌است اما تا آنجا که نگارندگان بررسی نموده‌اند، تاکنون در زبان فارسی مطالعات پیکره‌ای در این زمینه انجام نگرفته‌است و مطالعات صرفاً با ملاک‌ها و روش‌های شمی صورت پذیرفته‌اند؛ بنابراین، به‌منظور پر نمودن خلأ مذکور، در پژوهش حاضر بر آنیم که جنسیت‌گرایی در زبان فارسی را از منظر ساخت واژگان مرکب حاوی تکواژ مرد و زن در پیکرهٔ همشهری^۲ با ابزارهای نوین پیکره‌ای بررسی نماییم.

7. Corpus-driven
8. Corpus-based approach
9. Partington
10. Corpus-assisted
11. discourse
12. sentence
13. clause

1. Pearce
2. Baker
3. frequency
4. concordance
5. collocation
6. keyword

پیشینه پژوهش

در این بخش ابتدا مطالعات پژوهشگران ایرانی و سپس پژوهشگران غیرایرانی در زمینه جنسیت‌گرایی در زبان معرفی می‌شوند.

پاک‌نهاد جبروتی (۱۳۷۹) با اشاره به تفاوت جنسیت‌ها در استفاده از زبان و تشریح اهمیت جنسیت در روابط اجتماعی، با تحلیل چندین مثال از زبان فارسی بیان می‌کند که زبان فارسی مانند هر زبانی دارای روابط میان طبقات فرادست و فرودست است که الزاماً همیشه علیه زنان نیست. او بیان می‌کند جنسیت‌گرایی در زبان فارسی در حوزه واژگان و معنا مشخص‌تر است. در این تحقیق اشاره‌ای به منبع جمع‌آوری مثال‌ها و رویکرد یا نظریه خاصی در تحلیل آن‌ها نشده است.

علی‌نژاد (۱۳۸۴) مقوله جنس و سیر تاریخی آن در زبان فارسی را بررسی می‌نماید. او با تحلیل ضمائر از فارسی باستان تاکنون، جان‌بخشی به اجسام (مانند خورشید خانم) و ساخت واژه در فارسی (مانند جوانمرد) بیان می‌کند که مقوله جنس در زبان فارسی از سطح نحو خارج شده است و جنسیت‌گرایی در نحو فارسی مشاهده نمی‌شود؛ اما تفکرات جنسیت‌گرایانه در قالب واژگان و اصطلاحات بیان می‌شوند. در این مطالعه، با وجود اشاره به ساخت‌واژه زبان، مثال‌های کافی و یا تحلیل کمی برای تعمیم چنین نتیجه‌ای به کل زبان ارائه نمی‌شود.

محمودی بختیاری و همکاران (۱۳۹۰) با ارائه مثال‌هایی تلاش نموده‌اند که جنسیت‌گرایی زبانی را در زبان فارسی بررسی نمایند. در این مقاله، جنسیت‌گرایی در حوزه واژگان، ضرب‌المثل‌ها و... با معیارها و ملاک‌های مطرح در جنسیت‌گرایی بررسی شده است و در پایان، این نتیجه بیان شده که زبان فارسی از نظر کاربرد اجتماعی تمایلات جنسیت‌گرایانه دارد که منعکس‌کننده واقعیات مربوط به جنسیت‌زدگی در جامعه است. این اثر نمونه‌های ارزشمندی از جنبه‌های صوری جنسیت‌گرایی را در زبان فارسی ارائه می‌دهد؛ اما در آن اشاره‌ای به منابع جمع‌آوری داده‌ها و حجم داده‌های موردبررسی نشده است. این تحقیق پیکره‌بنیاد نیست و صرفاً با بررسی شمی پژوهشگران انجام یافته است.

میرسعیدی (۱۳۹۱) زبان فارسی کنونی را به‌عنوان زبانی جنسیت‌گرا معرفی می‌نماید. در این پژوهش با ضبط گفتار فارسی‌زبانان و مطالعه روزنامه‌ها و مجلات، مجموعه‌ای از داده‌های زبان فارسی جمع‌آوری شده و بر روی آن‌ها تحلیلی

۲. تعریف دوم، گفتمان را از انواع مختلف استفاده زبانی یا ژانر زبانی می‌داند؛ برای مثال، گفتمان سیاسی^۱ یا گفتمان رسانه^۲ (بیکر، ۲۰۰۶).

۳. تعریف سوم را بور^۳ (۱۹۹۵: ۴۸) ارائه می‌دهد: «گفتمان، مجموعه‌ای از معانی، استعاره‌ها^۴، بازنمایی‌ها^۵، تصاویر، داستان‌ها، گزاره‌ها^۶ و ... است که به‌نوعی با هم روایتی خاص از رویدادها را شکل می‌دهد. ... هر فرد، چیز یا رویداد با گفتمان‌های متفاوتی احاطه شده است که هر یک، داستانی متفاوت را در مورد دنیا بیان می‌کند و راهی متفاوت برای بازنمایی آن ارائه می‌دهد». بیکر (۲۰۱۰) این تعریف را بسیار کارآمد و راهی برای بازنمایی دنیا می‌خواند و آن را برگرفته از تعریف فوکو^۷ (۱۹۷۲) و پارکر^۸ (۱۹۹۲) می‌داند. فوکو (۱۹۷۲: ۴۹) گفتمان را چنین تعریف می‌نماید: «روال‌هایی^۹ که به‌طور نظام‌مند موضوع صحبت را شکل می‌دهند.» و پارکر (۱۹۹۲: ۵) بیان می‌کند: «گفتمان نظامی از گزاره‌هاست که موضوع را می‌سازند».

بیکر (۲۰۱۰) گفتمان در معنای سوم را شبیه به ایدئولوژی^{۱۰} می‌داند و بیان می‌کند نحوه استفاده از آن‌ها اشاره به معنای یکسان آنان دارد و تحلیل گفتمانی که بر این معنای گفتمان متمرکز است، زبان را جزء روال‌های اجتماعی می‌بیند و تمرکز آن بر نحوه بیان ایدئولوژی و روابط قدرت به‌وسیله زبان و در متن است (بیکر، ۲۰۱۷).

به باور بیکر (۲۰۱۰)، ایدئولوژی جنسیت‌گرایی به سطح ساخت‌واژه نیز راه می‌یابد و آن دسته از ساخت‌های واژگانی که گرایش به یک جنسیت دارند، توازن قدرت را در زبان و در نتیجه در جامعه از بین می‌برند و تکرار این واژگان گفتمان جنسیت‌گرایی را تقویت و جامعه را دچار تبعیض جنسیتی می‌نماید. در این اثر بر آنیم که این‌گونه واژگان را در زبان فارسی شناسایی کنیم و با بررسی تکرار آن‌ها در زبان، میزان قدرت آن‌ها در شکل‌دهی گفتمان جنسیت‌گرایی در جامعه ایرانی را مشخص نماییم.

1. political discourse
2. media discourse
3. Burr
4. metaphors
5. representations
6. statements
7. Foucault
8. Parker
9. practices
10. ideologies

پژوهش‌هایی آماری و کمی نیستند بلکه در هر مرحله به انتخاب‌های زبان‌شناس متکی هستند.

فوترتس^۳ (۲۰۰۷) به بررسی پیکره‌بنیاد جنسیت‌گرایی در زبان تجارت می‌پردازد. او پیکره انگلیسی نوشتاری تجاری *ولورهمپتون*^۴ را با ابزارهای پیکره‌ای فراوانی، فهرست واژگان و... بررسی می‌کند و بیان می‌کند که در این پیکره وقوع کلمه *man* ده برابر کلمه *woman* است. ۹۳ درصد مردان مخاطب قرار گرفته بودند و حوزه تجارت تقریباً در تسلط مردان است.

پیرس (۲۰۰۸) همایندهای فعلی بن‌واژه‌های *man* و *woman* در پیکره ملی بریتانیا هنگامی که این دو واژه به‌عنوان فاعل و مفعول در جملات ظهور می‌یابند را مطالعه می‌کند. او عنوان می‌کند که مردان و زنان هر دو در جایگاه فاعل و مفعول افعال خشونت‌آمیز قرار می‌گیرند؛ اما پیکره نشان می‌دهد که مردان در نقش فاعل بیشتر به افعال خشونت‌آمیز دست می‌زنند و زنان در نقش مفعول بیشتر هدف این افعال بوده‌اند. برای مثال فعل *زورگویی* و *دستبرد زدن* فاعل مرد و مفعول زن داشته‌اند. مردان در نقش مفعول نیز بیشتر هدف افعال غیرخشونت‌ی بوده‌اند و زنان در نقش فاعل بیشتر فعالی که حاوی معنای آزرده‌گی هستند را انجام می‌دهند مانند *غرغر کردن* و *نال کردن*.

بیکر (۲۰۱۰) با معرفی متغیرهای اجتماعی از جمله جنسیت و اشاره به بزرگی و دقت داده‌های پیکره‌ای، روش‌های پیکره‌بنیاد را راهی ساده‌تر برای یافتن الگوهای رایج و نادر زبانی در مطالعات اجتماعی می‌داند که مطالعات آماری را نیز سهولت می‌بخشند. بیکر بیان می‌کند که روش‌های پیکره‌بنیاد جایگزین روش‌های شمی و کیفی نیستند، بلکه تقویت‌کننده آن‌ها و راهی ساده‌تر برای انجام این مطالعات هستند.

بولینجر^۵ (۱۹۸۰)، استابز^۶ (۱۹۹۶)، ری^۷ (۲۰۱۴) و پرز-ساباتر^۸ (۲۰۱۵) از دیگر پژوهشگران غیرایرانی هستند که با بررسی واژگان هر جنسیت آثاری در حوزه جنسیت‌گرایی ارائه نموده‌اند.

در کل می‌توان عنوان کرد که در حوزه جنسیت‌گرایی

شمی انجام گرفته‌است و درنهایت تلاش شده‌است از طریق پرسش‌نامه، دلایل مؤثر در تبعیض جنسیتی در فارسی بررسی شود. این مطالعه پیکره‌بنیاد نیست و تحلیل‌های انجام گرفته کاملاً کیفی است و در آن اشاره‌ای به حجم داده‌های موردبررسی، نشده‌است.

نعمتی (۱۳۸۲)، جان‌نژاد (۱۳۸۵)، مؤمنی و سیفالله‌هی (۱۳۸۷) و داوری اردکانی و عیار (۱۳۸۷) از دیگر پژوهشگران ایرانی هستند که آثاری در حوزه جنسیت‌گرایی ارائه نموده‌اند. این آثار تفاوت‌های سبکی زنان و مردان در استفاده از زبان را بررسی می‌کند.

لیکاف (۱۹۷۵) را می‌توان از اولین زبان‌شناسانی دانست که موضوع زبان جنسیت‌گرا را مطرح کرد. لیکاف در این کتاب تفاوت‌های جنسیتی در استفاده از زبان را به‌طور شمی بررسی می‌کند. ارزش ویژه این اثر اشاره آن بر تأثیر زبان جنسیت‌گرا بر شکل‌گیری هویت افراد جامعه و ایجاد کلیشه‌های جنسیتی در جامعه است.

هولمز^۱ (۲۰۰۱) به بررسی پیکره‌بنیاد جنسیت در زبان انگلیسی نیوزیلندی پرداخته‌است. او با بررسی فراوانی القاب مردان و زنان در پیکره گفتاری و نوشتاری *ولینگتن زبان انگلیسی نیوزیلندی*^۲ بیان می‌کند که استفاده از لقب *Ms* که فاقد مؤلفه معنایی تأهل است بسیار افزایش یافته و تحلیل می‌کند که تلاش زنان برای مقابله با طبقه‌بندی اجتماعی با توجه به وضعیت تأهل نتیجه‌بخش بوده‌است. استفاده از واژه‌های عام مثل *man* به معنای انسان، برای ارجاع به هر دو جنسیت، کاهش یافته‌است. او بیان می‌کند که کاهش جنسیت‌گرایی در زبان به معنای حل کامل مشکلات زنان در توزیع قدرت در جامعه نیست؛ اما موجب خلق تصویر بهتری از آنان در جامعه می‌شود. ابزار اصلی مورداستفاده این تحقیق فراوانی است.

بیکر (۲۰۰۶) جایگاه روش‌های پیکره‌بنیاد را در تحلیل گفتمان بررسی می‌کند. او با معرفی ابزارهای رایانه‌ای بررسی پیکره از جمله فراوانی، توزیع، همایند، کلیدواژه و فهرست واژگان تشریح می‌نماید که هر یک از این ابزارها چگونه می‌توانند در تحلیل گفتمان کارآمد باشند. هم‌چنین به نقش مهم زبان‌شناس در تحلیل‌های کمی اشاره می‌کند و تأکید می‌نماید که مطالعات پیکره‌بنیاد در تحلیل گفتمان تنها

3. Fuertes
4. Wolverhampton Corpus of Written Business English (WBE)
5. Bolinger
6. Stubbs
7. Rey
8. Pérez-Sabater

1. Holmes
2. Wellington Written and Spoken Corpora of New Zealand English

برای یافتن اطلاعات موردنیاز در تحلیل، نیاز به نرم‌افزاری مناسب برای خواندن و پردازش پیکره بود. بیکر (۲۰۰۶ و ۲۰۱۰) نرم‌افزارهای متفاوتی را برای بررسی پیکره‌ای گفتمان معرفی می‌کند که با توجه به نیاز پژوهش، نرم‌افزار واژه‌نمای آنت‌کانک^۳ (آنتونی، ۲۰۱۴) برای انجام تحلیل‌ها و جستجوهای پیکره‌ای در پژوهش حاضر استفاده شد. این نرم‌افزار امکان تحلیل‌های پیکره‌ای را هم به صورت کمی و هم کیفی فراهم می‌آورد و به وسیله آن، می‌توان تظاهر هر واژه را هم در بافت و هم جداگانه بررسی نمود. نمایش زبان فارسی در این نرم‌افزار از چپ به راست است، اما این نمایش تأثیری بر کیفیت داده‌ها ندارد و تنها برای سهولت در خوانش و تحلیل بافت زبانی، از نرم‌افزار اکسیل^۴ نیز استفاده شده است. سلول‌های موجود در این نرم‌افزار امکان مشاهده واژه هدف، بافت زبانی راست و بافت زبانی چپ آن را فراهم می‌کنند. در تحلیل‌های کیفی پژوهش از ابزار واژه‌نمایی^۵ استفاده شده است که فهرستی است از تمام تجلی‌های یک واحد زبانی در پیکره همراه با بافت زبانی آن. در واژه‌نمایی، تحلیل‌گر می‌تواند بررسی نماید که کلمات همان معنا یا کاربردی را دارند که در پژوهش بیان شده است یا خیر (بیکر، ۲۰۱۰). بررسی واژه‌نمایی‌ها، قبل از نتیجه‌گیری براساس نتایج به دست آمده از فراوانی، بسیار ضروری است زیرا از وقوع تصادفی و بی‌ارتباط با موضوع مورد بررسی جلوگیری می‌نماید (بیکر، ۲۰۱۰). در پژوهش حاضر نیز باهدف یافتن فراوانی واژگان هدف و مشاهده بافت زبانی آنان از ابزار واژه‌نمایی در این نرم‌افزار استفاده شد. از آنجاکه پیکره پژوهش فاقد برچسب معنایی است، در قسمت ابزار فراوانی، عدد نمایش داده شده برای واژه مرد، شامل هر دو واژه هم‌نویس مرد، انسان مذکر و مرد، فعل ماضی از مصدر مردن، می‌شد. همچنین فراوانی نمایش داده شده در نرم‌افزار برای واژه زن، شامل هر دو واژه هم‌آوا هم‌نویس زن، انسان مؤنث و زن، بن مضارع از مصدر زدن، می‌شد. به منظور حذف موارد نامرتب و یافتن فراوانی این دو واژه و همچنین یافتن فراوانی سایر واژگانی که یکی از تکواژهای به کار رفته در آن‌ها مرد یا زن باشد، از واژه‌نمایی استفاده شد.

در مرحله اول برای یافتن واژگانی که در ساختار آن‌ها تکواژ مرد یا زن وجود داشت، در قسمت جستجو،

تعداد آثار غیرایرانی بسیار بیشتر از آثار ایرانی است. همچنین بررسی جنسیت‌گرایی زبانی در سایر زبان‌ها بسیار پیش‌تر از زبان فارسی مورد توجه قرار گرفته است. آثار غیرایرانی از سیر زمانی بسیار منسجم‌تری بهره‌مندند و تقریباً توقف زمانی در بین آن‌ها دیده نمی‌شود. آثار ایرانی در این حوزه بیشتر در ذیل گروهی از مطالعات که به بررسی تفاوت‌های سبکی زنان و مردان در استفاده از صورت‌های زبانی خاص می‌پردازند، جای می‌گیرند و در آن‌ها استفاده از روش‌های کمی و کیفی به طور هم‌زمان بسیار اندک دیده می‌شود. همچنین در هیچ‌یک از این آثار ایرانی از ابزارهای پیکره‌ای استفاده نشده است.

روش پژوهش

بیکر روش انجام تحلیل پیکره‌ای گفتمان را استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای برای بررسی پیکره می‌داند. در پژوهش حاضر، از میان مؤلفه‌های جنسیت‌گرایی زبانی که گفتمان جنسیت‌گرایی را شکل می‌دهند، واژگان حاوی تکواژ مرد و زن برای بررسی انتخاب شده‌اند و با توجه به امکاناتی که در زبان فارسی در اختیار نگارندگان بوده است، نسخه دو پیکره همشهری برای این بررسی انتخاب شده است. پیکره مورد نظر یک پیکره ماشین‌خواندنی است که امکان دسترسی آزاد به تمام داده‌های آن وجود دارد و به همین دلیل می‌توان از یک نرم‌افزار واژه‌نمایی به منظور استخراج اطلاعات از آن بهره برد. پیکره‌ای همچون پایگاه داده مجموعه همشهری، پیکره‌ای است حدوداً ۱۵۰ میلیون واژه‌ای، حاوی ۳۱۸ هزار سند مربوط به اخبار سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ که با خزش^۲ وبسایت همشهری و چندین مرحله پیش‌پردازش و برچسب‌گذاری به صورت برچسب‌نخورده و خام حاصل آمده است. به سایر پیکره‌های موجود در زبان فارسی مانند پایگاه داده‌های زبان فارسی (عاصی، ۱۹۹۷) یا پیکره بی‌جن‌خان (بی‌جن‌خان، شیخ‌زادگان، بحرانی و قیومی، ۲۰۱۱) نیز دسترسی آزاد/رایگان وجود نداشت (مانند پیکره بی‌جن‌خان) و یا فقط این امکان وجود داشت که به صورت برخط برخی از انواع جستجوها را انجام داد و امکان انتقال داده‌ها به یک نرم‌افزار واژه‌نمایی برای انجام جستجوهای پیشرفته‌تر که مورد نیاز پژوهش حاضر بود، وجود نداشت (مانند پایگاه داده‌های زبان فارسی).

3. AntConc
4. Excel
5. concordance

1. concordancer
2. crawl

عبارت‌های *مرد* و *زن* جست‌وجو شدند. عبارت *تکواژ هدف* در این ابزار به این معناست که تمام واژگانی که حروف متوالی (م، ر، د) و (ز، ن) در آن‌ها بکار رفته‌است نمایش داده می‌شود. در صورت جستجوی عبارت *تکواژ هدف تنها واژگانی نمایش داده می‌شدند که با تکواژ هدف پایان می‌یافتند، هم‌چنین در صورت جستجوی عبارت تکواژ هدف* تنها واژگانی نمایش داده می‌شدند که با تکواژ هدف آغاز می‌شدند. در نتیجه، واژگانی چون *ابرمردگرا* یا *آزادمردانه* نمایش داده نمی‌شدند. به‌منظور کنترل چنین خطایی و دستیابی به تمام واژگان موردنظر، عبارت *تکواژ هدف* در واژه‌نمایی جستجو شد؛ چنین عبارتی احتمال نمایش واژگان نامرتب مثل *مردم، برشمردند، لامرد* و ... را افزایش می‌داد اما به تحلیل‌گران اطمینان می‌داد که تمام واژگان موردنظر پژوهش نمایش داده شده‌اند. هم‌چنین برای دسترسی به بافت زبانی مناسب و کافی جهت بررسی معنایی واژگان و حذف موارد نامرتب، بازه جستجو ۹۰ در نظر گرفته شد. این بازه بدین معناست که بافت زبانی اطراف واژه هدف با مشخصه تقریبی ۴۵ کاراکتر قبل از واژه هدف و ۴۵ کاراکتر بعد از واژه هدف نمایش داده می‌شود.

در مرحله دوم، داده‌ها برای ویرایش و یکدست‌سازی به نرم‌افزار اکسل منتقل شدند. محیط این نرم‌افزار امکان خوانش راست به چپ را برای بررسی داده‌های زبان فارسی فراهم می‌کرد. به‌منظور دستیابی به دادگانی که صرفاً موردنظر پژوهش بودند، تمامی واژه‌نمایی‌ها در سه مرحله ویرایش شدند که دو مرحله اول شامل حذف و مرحله آخر شامل ویرایش املائی-نگارشی می‌شد. پس از انتقال داده‌ها، در مرحله اول تمام مواردی که واژه هدف تنها حاوی حروف متوالی (م، ر، د) و (ز، ن) بودند مانند *برشمرد، مردم، زنجان، فرزنده، روزنامه* و ... حذف شدند. در مرحله دوم نیز، با بررسی تمامی واژه‌نمایی‌ها، واژگان هم‌نویس یا هم‌آواهم‌نویس حذف شدند. در آخرین مرحله ویرایش نیز، اصلاحات املائی-نگارشی انجام گردید. از آنجا که در نسخه دو پیکره همشهری در برخی موارد فاصله و نیم‌فاصله رعایت نشده بود، واژه‌ای چون *آزادمردان* به‌صورت *آزاد مردان* نمایش داده می‌شد و در نتیجه ابزار واژه‌نمایی آن را دو واژه در نظر می‌گرفت که به‌جای قرار گرفتن در ردیف *آزادمردان* در ردیف عبارتی چون *شنای آزاد مردان* قرار می‌گرفت و در شمارش فراوانی، خطا ایجاد می‌کرد. در این مرحله، با بررسی تمامی واژه‌نمایی‌ها، این موارد شناسایی شدند

و در ردیف خود جای گرفتند.

در مرحله سوم، با توجه به حذف موارد نامرتب، فراوانی واژگان هدف به دست آمد. فراوانی داده‌های زن و مرد، پیش از ویرایش و پس از آن، به شرح زیر است:

فراوانی مرد و تمام واژگان حاوی تکواژ مرد پیش از ویرایش: ۳۵۳۷۶۶ مورد

فراوانی مرد و تمام واژگان حاوی تکواژ مرد پس از ویرایش: ۷۴۴۳۹ مورد

فراوانی زن و تمام واژگان حاوی تکواژ زن پیش از ویرایش: ۶۶۲۵۴۸ مورد

فراوانی زن و تمام واژگان حاوی تکواژ زن پس از ویرایش: ۱۱۳۴۱۵ مورد

بررسی و تحلیل داده‌ها

ابزار واژه‌نمایی به دلیل نمایش بافت زبانی واژه مرد و زن در ارائه داده‌های کیفی و هم‌چنین تصحیح و اطمینان از داده‌های کمی نقش پررنگی در این پژوهش داشته‌است.

اولین داده‌های استخراج‌شده از ابزار واژه‌نمایی، اطلاعات آماری مرتبط با فراوانی واژگان مرد و زن بوده‌است. چنانچه اشاره شد باوجود ارائه اطلاعات فراوانی واژگان در نرم‌افزار آنت‌کانک، به دلیل وجود واژگان هم‌نویس و هم‌آواهم‌نویس، آمار ارائه‌شده در نرم‌افزار نیاز به بررسی بافتی برای تصحیح ارقام فراوانی داشت. در پایان، اطلاعات زیر از ابزار واژه‌نمایی استخراج شد:

فراوانی واژه زن پس از ویرایش: ۳۸۷۶۶ مورد

فراوانی واژه مرد پس از ویرایش: ۳۱۶۷۵ مورد

فراوانی‌های به‌دست‌آمده با آزمون آماری مجذور خی تک‌نمونه‌ای^۱ بررسی شدند که نتیجه زیر حاصل شده‌است:

جدول ۱. فراوانی مورد انتظار واژگان مرد وزن

	Observed N	Expected N	Residual
Woman	38766	35220.5	3545.5
Man	31675	35220.5	-3545.5
Total	70441		

جدول ۲. عدد معناداری فراوانی واژگان زن و مرد

	Gender
Chi-Square	713.821
df	1
Asymp. Sig	.000

1. one sample chi-square

ردیف	سرواژه	فراوانی تجمعی	قطبیت معنایی
۸	ابرمردگرا	۱	+
۹	ابرمردی	۲	+
۱۰	ارتش‌مرد	۱	+
۱۱	اسلام‌مرد	۲	+
۱۲	اسلامی‌مرد	۱	+
۱۳	اندیش‌مرد	۱	+
۱۴	بزرگ‌مرد	۳۵۰	+
۱۵	بزرگ‌مردی	۱۱	+
۱۶	بهمرد	۹	+
۱۷	بینوامرد	۲	-
۱۸	بیوه‌مرد	۱۳	-
۱۹	پارسامرد	۱	+
۲۰	پاک‌مرد	۱	+
۲۱	پایمرد	۶	+
۲۲	پایمردانه	۳	+
۲۳	پایمردی	۲۶۳	+
۲۴	پولادمرد	۳۱	+
۲۵	پیرمرد	۳۳۰۳	۰
۲۶	پیرمردانه	۱	۰
۲۷	ترکه‌مرد ^۶	۱۱	۰
۲۸	جان‌مرد	۵	۰
۲۹	جاودان‌مرد	۳	+
۳۰	جاودانه‌مرد	۳	+
۳۱	جاویدمرد	۱	+
۳۲	جاهل‌مرد	۱	-
۳۳	جوان‌مرد	۴۲۷	+
۳۴	جوان‌مردانه	۴۳۳	+
۳۵	جوان‌مردی	۵۱۷	+
۳۶	جهان‌مرد	۱	+
۳۷	چهارمردان	۴	۰
۳۸	حکومت‌مرد	۱۰	+
۳۹	خاک‌مرد	۱	+
۴۰	خدایمرد	۶	+
۴۱	خردمرد	۷	+
۴۲	خرمردند	۱	-
۴۳	دانش‌مرد	۱۱	+
۴۴	دانشی‌مرد	۱۴	+
۴۵	دریامرد	۱	۰

از آنجاکه عدد معناداری^۱ به‌دست‌آمده از آزمون مجذور خی، صفر (کمتر از ۰.۰۵) است، اختلاف فراوانی واژه مرد و واژه زن در پیکره، معنادار است و فراوانی واژه زن بیش از فراوانی مورد انتظار^۲ است (عدد به‌دست‌آمده از تفاضل فراوانی مشاهده‌شده از فراوانی موردانتظار در بخش باقی‌مانده^۳ جدول قابل مشاهده است). بیکر تفاوت در میزان فراوانی را دلیلی بر وجود گرایش در متن می‌داند. باوجود اختلاف ۷۰۹۱ موردی در فراوانی واژگان مرد و زن و فراوانی بالاتر واژه زن، به نظر می‌رسد نتوان چنین اختلافی را در زبان فارسی به‌طورقطع نشانه وجود گرایش دانست زیرا برخلاف زبان انگلیسی که میان واژگان *man* و *woman* تقارن برقرار است در زبان فارسی در مقابل واژه زن دو واژه مرد و شوهر^۴ قرار دارد. پس برای اطمینان از وجود گرایش در فراوانی واژگان زن و مرد در زبان فارسی بررسی واژه شوهر نیز لازم است که بررسی این واژه، هدف پژوهش حاضر نبوده‌است.

دومین داده‌های استخراج‌شده از ابزار واژه‌نمایی، اطلاعات آماری مرتبط با فراوانی تمام واژگان حاوی تکواژ مرد و زن بوده‌است. در این مرحله نیز به دلیل عدم رعایت اصول نگارشی و املائی در پیکره باوجود ارائه اطلاعات فراوانی واژگان در نرم‌افزار، بررسی بافتی نیز برای تصحیح ارقام فراوانی انجام گرفته‌است. اطلاعات به‌دست‌آمده از ابزار واژه‌نمایی در دو جدول ۳ و ۴ ارائه شده‌است. در تمامی موارد صورت‌های تصرفی سرواژه‌ها و فراوانی آن‌ها نیز بررسی شده‌است که با توجه به محدودیت حجم تنها به آوردن فراوانی کل در مقابل هر سرواژه بسنده شده‌است.

جدول ۳. جدول الفبایی واژگان حاوی تکواژ مرد در پیکره همشهری

ردیف	سرواژه	فراوانی تجمعی	قطبیت معنایی
۱	آذرمرده ^۵	۱	۰
۲	آزادمرد	۶۲	+
۳	آزادمردانه	۲	+
۴	آزادمردی	۲	+
۵	آسمان‌مرد	۲	+
۶	آسمانی‌مرد	۲	+
۷	ابرمرد	۱۴۴	+

1. Asymp. Sig.
2. Expected N
3. residual
4. husband

ردیف	سرواژه	فراوانی تجمعی	قطبیت معنایی
۸۴	گرگ‌مرد ^۲	۱	۰
۸۵	گیله‌مرد	۱۶	۰
۸۶	گیله‌مردی ^۳	۹	۰
۸۷	گیومرد	۱	۰
۸۸	مجاهدمرد	۱	+
۸۹	مرد	۶۱۴۱۸	۰
۹۰	مردآباد	۲۲	+
۹۱	مردآزما	۹	۰
۹۲	مردافکن ^۴	۲۲	+
۹۳	مردان‌پور	۷	۰
۹۴	مردان‌شاه	۳	+
۹۵	مردانگی	۳۵۶	+
۹۶	مردانه	۱۵۸۲	۰
۹۷	مردانیان	۷	۰
۹۸	مردانیت	۱	+
۹۹	مردباور	۳	۰
۱۰۰	مردباوری	۲	۰
۱۰۱	مردپروور	۱	+
۱۰۲	مردخیز	۳	+
۱۰۳	مردرند	۱	-
۱۰۴	مردزا	۱	۰
۱۰۵	مردسالار	۱۵۹	-
۱۰۶	مردسالارانه	۱۹۰	-
۱۰۷	مردسالاری	۲۶۷	-
۱۰۸	مردستان	۸	۰
۱۰۹	مردستیزانه	۱	-
۱۱۰	مردستیزی	۷	-
۱۱۱	مردسرپرست	۱	۰
۱۱۲	مردصفت	۵	+
۱۱۳	مردصفتی	۱	+
۱۱۴	مردعلی	۳	۰
۱۱۵	مردک	۵۵	-
۱۱۶	مردکشی	۱	-
۱۱۷	مردکه	۲	-
۱۱۸	مردگداز	۱	-
۱۱۹	مردگرا	۳	-

ردیف	سرواژه	فراوانی تجمعی	قطبیت معنایی
۴۶	دل‌اورمرد	۱۰۳	+
۴۷	دل‌اورمردی	۴۲	+
۴۸	دلیرمرد	۴۰	+
۴۹	دلیرمردی	۳	+
۵۰	دولت‌مرد	۳۱۹۸	+
۵۱	دولت‌مردانه	۲	+
۵۲	دولت‌مردی	۱۶	+
۵۳	رادمرد	۷۶	+
۵۴	رادمردی	۲۱	+
۵۵	رشیدمرد	۱	+
۵۶	زادمرد ^۱	۶	+
۵۷	ساده‌مرد	۱	+
۵۸	سفیدمرد	۱	۰
۵۹	سیاست‌مرد	۴۱	+
۶۰	شجاع‌مرد	۱	+
۶۱	شهمرد	۵	+
۶۲	شیرمرد	۳۰	+
۶۳	شیرمردی	۱۷	+
۶۴	ضدمرد	۱۷	-
۶۵	ضدمردانه	۱	-
۶۶	طبیعت‌مرد	۱	+
۶۷	عاشورامرد	۱	+
۶۸	عاقل‌مرد	۴	+
۶۹	عاقله‌مرد	۱۶	+
۷۰	علی‌مرد	۱۰۰	+
۷۱	غیردولت‌مرد	۱	۰
۷۲	غیرجوان‌مردانه	۶	-
۷۳	غیرمردانه	۲	۰
۷۴	غیورمرد	۲۷	+
۷۵	فرزانه‌مرد	۸	+
۷۶	فرهنگ‌مرد	۲۹	+
۷۷	فرهنگینه‌مرد	۱	+
۷۸	کافر‌مرد	۱	-
۷۹	کامله‌مرد	۱	+
۸۰	کوچک‌مرد	۶	۰
۸۱	کوه‌مرد	۶	+
۸۲	کهن‌مرد	۱	۰
۸۳	گران‌مرد	۱	+

۲. ترجمه‌ی wolfman

۳. نام نوعی از ورزش کشتی

۴. شخص قوی که مرد را به زمین زند.

ردیف	سرواژه	فراوانی تجمعی	قطبیت معنایی
۳	ایوک زن ^۳	۱	۰
۴	ایوک زنی ^۴	۱	۰
۵	برادرزن	۱۳۴	۰
۶	بزرگ زن	۴	+
۷	بی‌زن	۳	۰
۸	بیوه زن	۴۵	-
۹	پاره زن ^۵	۱	۰
۱۰	پدرزن	۲۰۹	۰
۱۱	پیرزن	۱۵۶۷	۰
۱۲	تک‌زنه	۱	+
۱۳	چاکرزن ^۶	۱	-
۱۴	چندزنه	۷	-
۱۵	چندزنی	۴	-
۱۶	خاله زنک	۷	-
۱۷	خاله زنکی	۳۲	-
۱۸	خواهرزن	۵۸	۰
۱۹	دوزنه	۱۱	-
۲۰	دولت زن	۱۱	+
۲۱	زن	۱۰۷۰۰۹	۰
۲۲	زن آزار	۵	-
۲۳	زن آزاری	۳۹	-
۲۴	زن‌شویی	۱۵۳۲	۰
۲۵	زن‌شوهری	۱	۰
۲۶	زن‌نگی	۱۳۴	۰
۲۷	زنانه	۱۶۲۴	۰
۲۸	زنانه‌دوز	۲	۰
۲۹	زنانه‌سرا	۵	۰
۳۰	زنانه‌نویس	۲	۰
۳۱	زنانه‌نویسی	۲	۰
۳۲	زن‌بابا	۱۹	۰
۳۴	زن‌بارگی	۷	-
۳۵	زن‌باره	۸	-
۳۶	زن‌بازی	۱	-
۳۶	زن‌باورانه	۱	۰
۳۷	زن‌باوری	۴	۰
۳۸	زن‌برادر	۵۵	۰

ردیف	سرواژه	فراوانی تجمعی	قطبیت معنایی
۱۲۰	مردگرایانه	۸	-
۱۲۱	مردگرایی	۲	-
۱۲۲	مردگریز	۱	-
۱۲۳	مردگیران ^۱	۱	-
۱۲۴	مردماهی ^۲	۱	۰
۱۲۵	مردمحور	۲	-
۱۲۶	مردمحورانه	۲	-
۱۲۷	مردمحوری	۱	-
۱۲۸	مردنما	۳	۰
۱۲۹	مردوار	۱	۰
۱۳۰	مردواریگی	۱	۰
۱۳۱	مردواره	۱	۰
۱۳۲	مردونگی	۱	+
۱۳۳	مردونه	۱۹	۰
۱۳۴	مردی	۹۵	+
۱۳۵	مردیت	۳	۰
۱۳۶	مردیکه	۲	-
۱۳۷	مردینه	۱	۰
۱۳۸	مست‌مرد	۱	-
۱۳۹	موش‌مرد	۱	۰
۱۴۰	ناجوانمرد	۱۲	-
۱۴۱	ناجوانمردانه	۴۳۳	-
۱۴۲	ناجوانمردی	۳۷	-
۱۴۳	نامرد	۸۲	-
۱۴۴	نامردانگی	۲	-
۱۴۵	نامردانه	۸	-
۱۴۶	نامردی	۷۷	-
۱۴۷	نیک‌مرد	۲۱	+
۱۴۸	نیک‌مردی	۲	+
۱۴۹	نیکومرد	۱	+
۱۵۰	همیشه‌مرد	۱	+
۱۵۱	یگانه‌مرد	۵	+

جدول ۴. جدول الفبایی واژگان حاوی تکواژ زن در بیکره همشهری

ردیف	سرواژه	فراوانی تجمعی	قطبیت معنایی
۱	آزادزن	۵	+
۲	ابرنزن	۶	+

۳. یگانه‌زن، تنها همسر یک مرد در دوران ساسانی

۴. یگانه‌زنی، ازدواجی در دوران ساسانی که مرد تنها یک همسر داشت.

5. Anima (مادینه جان)

۶. از طبقات زنان در دوران ساسانیان که شامل کنیزان زرخرید و زنان اسیر می‌شده‌است.

۱. جشنی کهن که زنان در آن روز بر مردان تسلط داشتند.

۲. ترجمه‌ی fishman

ردیف	سرواژه	فراوانی تجمعی	قطبیت معنایی
۷۸	زنیکه	۴	-
۷۹	سترزنی ^۲	۲	۰
۸۰	سوپرزن	۴	+
۸۱	سه‌زنه	۲	-
۸۲	شاهزن	۱	+
۸۳	شیرزن	۴۲	+
۸۴	ضدزن	۶	-
۸۵	ضدزنی	۱	-
۸۶	عقل‌زن	۱	+
۸۷	عاقله‌زن	۱	+
۸۸	غیرزنانه	۲	۰
۸۹	کوچک‌زن	۱	۰
۹۰	مادرزن	۱۹۹	۰
۹۱	نازن ^۳	۱	-

در جدول‌های ۳ و ۴ سرواژه‌ها و واژگان به‌صورت الفبایی مرتب شده‌اند و در مقابل هر سرواژه فراوانی تجمعی نمایش داده شده‌است. فراوانی تجمعی هر سرواژه برابر مجموع فراوانی‌های مطلق صورت‌های تصریفی آن سرواژه است. سرواژه یا ستاک یک کلمه صورت آن کلمه منهای وندهای تصریفی آن است (بوی^۴، ۲۰۰۷).

به‌منظور تحلیل معنایی این واژگان نیز به هر سرواژه یک قطبیت معنایی اختصاص داده شده‌است. مبنای ارزش‌دهی معنایی در این تحلیل، عدم وجود جنسیت‌گرایی و معنای فرهنگی اجتماعی واژه بوده‌است. به این معنا که هر سرواژه‌ای که معنای آن از دیدگاه فرهنگی و اجتماعی منفی است، مانند *ناجوانمرد* و *خاله‌زنک* یا هر سرواژه‌ای که معنای آن نشان از جنسیت‌گرایی و تمایل به یک جنسیت را دارد، مانند *مردسالار* و *زن‌محور* قطبیت معنایی منفی گرفته‌است و هر سرواژه‌ای که معنای آن از دیدگاه فرهنگی و اجتماعی مثبت است، مانند *جوانمرد* و *شیرزن* قطبیت معنایی مثبت گرفته‌است. سرواژه‌هایی که فاقد معنای مثبت یا منفی بوده‌اند نیز قطبیت معنایی خنثی گرفته‌اند؛ مانند *پیرمرد* و *خواهرزن*. قطبیت خنثی با علامت صفر در جدول مشخص شده‌است.

به جهت بررسی داده‌های دو جدول، در ادامه اطلاعات استخراج‌شده از آن‌ها به تفکیک در ۵ بخش ارائه و تحلیل می‌شود.

ردیف	سرواژه	فراوانی تجمعی	قطبیت معنایی
۳۹	زن‌پدر	۲۱	۰
۴۰	زن‌پرست	۱	-
۴۱	زن‌پسند	۱	۰
۴۲	زن‌پوش	۸	-
۴۳	زن‌پوشی	۶	-
۴۴	زن‌خوانی	۱	۰
۴۵	زن‌داداش	۱	۰
۴۶	زن‌دادن	۱۵	۰
۴۷	زن‌دار	۸	۰
۴۸	زن‌داری	۳	۰
۴۹	زن‌دایی	۷	۰
۵۰	زن‌ذلیل	۱۴	-
۵۱	زن‌ذیلی	۳	-
۵۲	زن‌زدایی	۳	-
۵۳	زن‌سالار	۸	-
۵۴	زن‌سالارانه	۵	-
۵۵	زن‌سالاری	۵۳	-
۵۶	زن‌ستیز	۷	-
۵۷	زن‌ستیزانه	۸	-
۵۸	زن‌ستیزی	۶	-
۵۹	زن‌سرپرست	۸۴	-
۶۰	زن‌صفت	۷	-
۶۱	زن‌صفتی	۲	-
۶۲	زن‌عمو	۶۸	۰
۶۳	زنک	۶	-
۶۴	زن‌کش	۳	-
۶۵	زن‌کشی	۵۲	-
۶۶	زن‌گرا	۵	-
۶۷	زن‌گرایانه	۶	-
۶۸	زن‌گرفتن	۱۰۸	۰
۶۹	زن‌گریز	۳	-
۷۰	زن‌گریزی	۱	-
۷۱	زن‌محور	۱۴	-
۷۲	زن‌محوری	۴	-
۷۳	زن‌مرد	۱	-
۷۴	زن‌نما	۱۵	-
۷۵	زن‌نوا ^۱	۱	-
۷۶	زن‌نویسی	۱	۰
۷۷	زن‌نونه	۵	۰

۲. ازدواج فرزندخواندگی، ازدواجی است در دوران ساسانی.

۳. به قیاس از واژه‌ی نامرد

جدول ۵. فراوانی سرواژه‌ها

تکواژ	قطبیت معنایی	فراوانی نوعی براساس قطبیت معنایی	درصد فراوانی نوعی براساس قطبیت معنایی	فراوانی موردی سرواژه‌ها	درصد فراوانی موردی براساس قطبیت معنایی
مرد	مثبت	۸۰	۵۳	۷۴۵۰۶	۶۶۷۰
	منفی	۳۵	۲۳		۱۴۰۰
	خنثی	۳۶	۲۴		۶۶۴۳۶
زن	مثبت	۱۰	۱۱	۱۱۳۳۹۰	۷۶
	منفی	۴۴	۴۷		۵۰۷
	خنثی	۳۷	۴۲		۱۱۲۸۰۷

فراوانی موردی در این دو گروه (مرد و زن) معنادار است. پس برای بررسی بیشتر، فراوانی موردی در هر گروه به تفکیک سرواژه‌های مثبت، منفی و خنثی با آزمون آماری مجذور خی تک‌نمونه‌ای بررسی شده‌است:

جدول ۷. عدد معناداری فراوانی موردی سرواژه‌های تکواژ زن

Value
Chi-Square 2.233E5
df 2
Asymp. Sig .000

جدول ۸. عدد معناداری فراوانی موردی سرواژه‌های تکواژ مرد

Value
Chi-Square 1.051E5
df 2
Asymp. Sig .000

براساس عدد معنادار صفر در جدول‌های ۷ و ۸ اختلاف در فراوانی موردی سرواژه‌های مثبت، منفی و خنثی در هر دو گروه مرد و زن معنادار است. هم‌چنین، درزمینه فراوانی موردی سرواژه‌های مرد، قطبیت خنثی با باقی‌مانده (تفاضل فراوانی مشاهده‌شده از فراوانی موردانتظار) $41601/7$ نسبت به دو قطبیت دیگر بیشترین ارتباط را با سرواژه مرد دارد. در مورد سرواژه‌های زن نیز، قطبیت خنثی با باقی‌مانده $75017/3$ نسبت به دو قطبیت دیگر بیشترین ارتباط را با سرواژه زن دارد. این بدین معناست که هم در سرواژه‌های مرد و هم در سرواژه‌های زن، واژگان با قطبیت خنثی بیشتر در استفاده زبانی به کار می‌روند.

بر مبنای داده‌ها و آزمون آماری می‌توان گفت در کاربرد زبانی، واژگان گروه زن و مرد هر دو بیشتر به‌صورت خنثی

بخش اول

جدول ۵ فراوانی هر قطبیت معنایی را به‌طور جداگانه برای هر دو تکواژ مرد و زن نمایش می‌دهد. در این جدول، فراوانی نوعی^۱ به معنای تعداد سرواژه‌ها بدون احتساب تکرار آن‌ها در متن است و فراوانی موردی^۲ به معنای تعداد فراوانی کل سرواژه‌ها با احتساب تکرارشان در متن است. فراوانی نوعی معیار آماری مناسبی برای بررسی تنوع واژگان است و فراوانی موردی امکان مطالعه کاربرد واژگان را فراهم می‌کند. در ادامه فراوانی نوعی و فراوانی موردی با آزمون آماری مجذور خی دوطرفه و آزمون آماری مجذور خی تک‌نمونه‌ای برای هر سه قطبیت مثبت، منفی و خنثی بررسی شده‌است. اطلاعات این بخش به تفکیک ارائه و تحلیل می‌شود.

۱. در ابتدا فراوانی موردی با آزمون آماری مجذور خی دوطرفه بررسی شده‌است و نتیجه زیر حاصل گشته‌است:

جدول ۹. عدد معناداری فراوانی موردی سرواژه‌های مرد و زن

	Value	Df	Asymp. Sig. (2-sided)
Pearson Chi-Square	1.131E4 ^a	2	.000
Likelihood Ratio	1.299E4	2	.000
Linear-by-Linear Association	1.128E4	1	.000
N of Valid Cases	187896		

بر مبنای آزمون آماری و عدد معناداری صفر، تفاوت

1. type frequency
2. token frequency

بررسی شده‌است. اطلاعات آماری در جدول‌های ۱۰ و ۱۱ ارائه شده‌است:

جدول ۱۰. عدد معناداری فراوانی نوعی سرواژه‌های تکواژ زن

	Value
Chi-Square	20.593
df	2
Asymp. Sig.	.000

جدول ۱۱. عدد معناداری فراوانی نوعی سرواژه‌های تکواژ مرد

	Value
Chi-Square	24.530
df	2
Asymp. Sig.	.000

بر پایه عدد معنادار صفر در جدول‌های ۱۰ و ۱۱ اختلاف فراوانی نوعی در قطبیت مثبت، منفی و خنثی هر دو گروه سرواژه‌های مرد و زن معنادار بوده‌است. برحسب فراوانی مورد انتظار، فراوانی نوعی گروه مرد بیشتر با قطبیت مثبت (با باقی‌مانده ۲۸/۷) و فراوانی نوعی گروه زن بیشتر با قطبیت منفی (با باقی‌مانده ۱۱/۷) ارتباط دارد. این بدین معناست که تکواژ زن بیشتر در ساخت واژگان منفی و تکواژ مرد بیشتر در ساخت واژگان مثبت به کار می‌رود.

بر این اساس و اعداد آماری ارائه‌شده می‌توان گفت در ساخت واژگان زبان فارسی، تکواژ مرد بیشتر به صورت مثبت و تکواژ زن بیشتر به صورت منفی به کار می‌رود. هم‌چنین، تعداد کل فراوانی نوعی سرواژه‌های حاصل از تکواژ مرد ۱۵۱ مورد و تکواژ زن ۹۱ مورد است که نشان می‌دهد تکواژ مرد نسبت به تکواژ زن با اختلاف ۶۰ موردی در ساخت واژگان بیشتری به کار رفته است. این داده‌ها بیانگر آن است که در ساخت واژگان زبان فارسی تمایل به استفاده از تکواژ مرد بیشتر از تکواژ زن است.

بر طبق داده‌ها، فراوانی نوعی سرواژه‌های مثبت مرد ۵۳ درصد یعنی بیش از نیمی از فراوانی نوعی کل آن است اما فراوانی نوعی سرواژه‌های مثبت زن، تنها ۱۱ درصد از کل فراوانی نوعی آن است. فراوانی نوعی سرواژه‌های منفی مرد ۲۳ درصد از کل فراوانی نوعی آن است اما فراوانی نوعی سرواژه‌های منفی زن ۴۷ درصد یعنی نزدیک به نیمی از فراوانی نوعی کل آن است. این ارقام نشان می‌دهد که بیشتر واژگانی که در زبان فارسی از تکواژ مرد ساخته شده‌اند معنای مثبت دارند و بیشتر واژگانی که از تکواژ زن ساخته شده‌اند معنای منفی دارند. پس می‌توان گفت که در ساخت واژگان

استفاده می‌شوند. هم‌چنین، فراوانی موردی سرواژه‌های مثبت مرد ۹ درصد از کل فراوانی موردی آن است اما فراوانی موردی سرواژه‌های مثبت زن تنها ۰/۰۷ درصد از کل فراوانی موردی آن است. این ارقام نشان می‌دهد که در زبان فارسی به کارگیری ۸۰ نوع سرواژه مثبت مرد بیشتر از ۱۰ نوع سرواژه مثبت زن است که این اختلاف می‌تواند ناشی از کم بودن واژگان مثبت زن در زبان فارسی و زیاد بودن واژگان مثبت مرد باشد.

هم‌چنین فراوانی موردی سرواژه‌های منفی مرد ۲ درصد از کل فراوانی موردی آن است اما فراوانی موردی سرواژه‌های مثبت زن تنها ۰/۴۴ درصد از کل فراوانی موردی آن است. باوجود تمایل به ساخت واژگان مثبت از تکواژ مرد و واژگان منفی از تکواژ زن در زبان فارسی، در هر دو گروه سرواژه‌های زن و مرد، تمایل به استفاده، تکرار و به کارگیری از واژگان منفی کم است. بر این اساس می‌توان بیان کرد که علیرغم وجود واژگان منفی در هر دو گروه، فارسی‌زبانان تمایلی به استفاده از این واژگان ندارند. البته به باور نگارندگان این عدم به کارگیری واژگان منفی نمی‌تواند به طور حتم به معنای نبود جنسیت‌گرایی باشد بلکه با در نظر گرفتن این مطلب که بیشتر واژگان منفی در این گروه‌ها واژگان ناپسند فرهنگی اجتماعی هستند و پیکره موردبررسی پیکره‌ای نوشتاری است، این ارقام بسیار کم می‌تواند ناشی از ناپسند بودن استفاده از این واژگان در اجتماع و هم‌چنین ناپسندبودن استفاده از این واژگان در متون نوشتاری رسمی باشد.

۲. پس از بررسی فراوانی موردی، فراوانی نوعی هر دو گروه نیز با آزمون آماری مجذور خی دو طرفه بررسی شده‌است. اطلاعات آماری به شرح زیر است:

جدول ۹. عدد معنادار فراوانی نوعی سرواژه‌های مرد و زن

	Value	Df	Asymp. Sig. (2-sided)
Pearson Chi-Square	41.882	2	.000
Likelihood Ratio	46.485	2	.000
Linear-by-Linear Association	29.667	1	.000
N of Valid Cases	242		

برحسب عدد معنادار صفر در جدول ۹ اختلاف در فراوانی نوعی سرواژه‌های زن و مرد معنادار است پس برای بررسی بیشتر فراوانی نوعی در هر گروه به تفکیک قطبیت مثبت، منفی و خنثی با آزمون آماری مجذور خی تک‌نمونه‌ای

زبان فارسی تمایل به بازنمایی مثبت جنسیت مرد و بازنمایی منفی جنسیت زن وجود دارد.

بخش دوم

در جدول ۱۲، بیست واژه اول هر گروه (از حیث فراوانی) همراه با اطلاعات فراوانی و قطبیت معنایی آمده‌است:

جدول ۱۲. جدول ۲۰ واژه با بیشترین فراوانی

ردیف	سرواژه از تکواژ مرد	سرواژه از تکواژ زن
۱	پیرمرد	زنانه
۲	دولت‌مرد	پیرزن
۳	مردانه	زنشویی
۴	جوان‌مردی	پدرزن
۵	جوان‌مردانه	مادرزن
۶	ناجوانمردانه	برادرزن
۷	جوان‌مرد	زنانگی
۸	مردانگی	زن‌گرفتن
۹	بزرگ‌مرد	زن‌سرپرست
۱۰	مردسالاری	زن‌عمو
۱۱	پایمردی	خواهرزن
۱۲	مردسالارانه	زن‌برادر
۱۳	مردسالار	زن‌سالاری
۱۴	ابرمرد	زن‌کشی
۱۵	دل‌اورمرد	بیوه‌زن
۱۶	علی‌مرد	شیرزن
۱۷	مردی	زن‌آزاری
۱۸	نامرد	خاله‌زنگی
۱۹	نامردی	زن‌پدر
۲۰	رادمرد	زن‌بابا

براساس جدول ۱۲ در گروه سرواژه‌های مرد، عمدتاً

واژگان حوزه معنایی صفات اخلاقی مانند پایمردی، نامردی، رادمرد، برمرد و ... و همچنین حوزه سیاست یعنی دولت‌مرد با فراوانی بالا مشاهده می‌شود درحالی‌که در گروه سرواژه‌های زن غالباً واژگان حوزه معنایی خانواده و روابط خانوادگی مانند زنشویی، پدرزن، زن‌عمو، بیوه‌زن و ... مشاهده می‌شود. طبق اطلاعات آماری، فراوانی کل این ۲۰ واژه در گروه واژگان مرد تقریباً دو برابر فراوانی کل واژگان زن است. در ۲۰ واژه اول هر دو گروه، واژگان با قطبیت معنایی خنثی، منفی و مثبت دیده می‌شود. در سرواژه‌های مرد فراوانی نوعی و موردی واژگان مثبت بیشتر و در سرواژه‌های زن فراوانی نوعی و موردی واژگان خنثی بیشتر است. در نتیجه می‌توان گفت در زبان فارسی تمایل به استفاده از واژگان حاوی تکواژ مرد و زن در متون نوشتاری به این صورت است که واژگان گروه مرد بیشتر در زبان تکرار می‌شوند و حتی در مواردی چون جوانمرد و نامرد در جملاتی از پیکره برای مرجعی با جنسیت مؤنث به کار می‌روند. همچنین واژگان حاوی تکواژ مرد که مرتباً در زبان تکرار می‌شوند و تنوع واژگانی بیشتری دارند، دارای بار معنایی مثبت هستند و واژگان حاوی تکواژ زن که مرتباً در زبان تکرار می‌شوند و تنوع واژگانی بیشتری دارند، دارای بار معنایی خنثی هستند؛ پس واژگان گروه زن در زبان کمتر استفاده می‌شوند و در موارد پرتکرار نیز اگرچه منفی نیستند اما در بهترین حالت به صورت خنثی، نه مثبت، به کار می‌روند.

بخش سوم

برخی از سرواژه‌ها در هر دو گروه مرد و زن حضور داشته‌اند. در جدول زیر این واژگان از نظر فراوانی و قطبیت معنایی با هم مقایسه شده‌اند و اطلاعات آماری هر گروه ارائه شده‌است:

جدول ۱۳. مقایسه جفت‌واژه‌های حاوی تکواژ مرد و زن

ردیف	سرواژه از تکواژ مرد	فراوانی	سرواژه از تکواژ زن	فراوانی	قطبیت معنایی	عدد معنادار	اختلاف از فراوانی مورد انتظار تکواژ مرد	اختلاف از فراوانی مورد انتظار تکواژ زن
۱	آزادمرد آزادمردانه آزادمردی	۶۶	آزادزن	۵	+	۰/۰۰۰	۳۰/۵	-۳۰/۵
۲	ابرمرد ابرمردی ابرمردگرا	۱۴۷	ابرنزن	۶	+	۰/۰۰۰	۷۰/۵	-۷۰/۵
۳	بزرگ‌مرد بزرگ‌مردی	۳۶۱	بزرگ‌زن	۴	+	۰/۰۰۰	۱۷۸/۵	-۱۷۸/۵
۴	بیوه‌مرد	۱۳	بیوه‌زن	۴۵	-	۰/۰۰۰	-۱۶	۱۶

ردیف	سرواژه از تکواژ مرد	فراوانی	سرواژه از تکواژ زن	فراوانی	قطبیت معنایی	عدد معنادار	اختلاف از فراوانی مورد انتظار تکواژ مرد	اختلاف از فراوانی مورد انتظار تکواژ زن
۵	پیرمرد پیرمردانه	۳۳۰۴	پیرزن	۱۵۶۷	۰	۰/۰۰۰	۸۶۸/۵	-۸۶۸/۵
۶	دولت‌مرد دولت‌مردانه دولت‌مردی	۳۲۱۶	دولت‌زن	۱۱	+	۰/۰۰۰	۱۶۰۲/۵	-۱۶۰۲/۵
۷	شیرمرد شیرمردی	۴۷	شیرزن	۴۲	+	۰/۵۹۶	۲/۵	-۲/۵
۸	ضدمرد ضدمردانه	۱۸	ضدزن ضدزنی	۷	-	۰/۰۲۸	۵/۵	-۵/۵
۹	عافل‌مرد عافله‌مرد	۲۰	عافل‌زن عافله‌زن	۲	+	۰/۰۰۰	۹	-۹
۱۰	غیرمردانه	۲	غیرزنانه	۲	۰	۱/۰۰۰	۰	۰
۱۱	کوچک‌مرد	۶	کوچک‌زن	۱	۰	۰/۵۹۶	۲/۵	-۲/۵
۱۲	مردانه مردونه	۱۶۰۱	زنانه	۱۶۲۴	۰	۰/۶۸۵	-۱۱/۵	۱۱/۵
۱۳	مردانگی مردونگی	۳۵۷	زنانگی	۱۳۴	*			
۱۴	مردباور مردباوری	۵	زن‌باورانه زن‌باوری	۵	۰	۱/۰۰۰	۰	۰
۱۵	مردسالار مردسالارانه مردسالاری	۶۱۶	زن‌سالار زن‌سالارانه زن‌سالاری	۶۶	-	۰/۰۰۰	۲۷۵/۵	-۲۷۵/۵
۱۶	مردستیزانه مردستیزی	۸	زن‌ستیز زن‌ستیزانه زن‌ستیزی	۲۱	-	۰/۰۱۶	-۶/۵	۶/۵
۱۷	مردسرپرست	۱	زن‌سرپرست	۸۴	*			
۱۸	مردصفت مردصفتی	۶	زن‌صفت زن‌صفتی	۹	*			
۱۹	مردکشی	۱	زن‌کشی	۵۲	-	۰/۰۰۰	-۲۵/۵	۲۵/۵
۲۰	مردک مردکه مردیکه	۵۹	زنک زنیکه	۱۰	-	۰/۰۰۰	۲۴/۵	-۲۴/۵
۲۱	مردگرا مردگرایانه مردگرایی	۱۳	زن‌گرا زن‌گرایانه	۱۱	-	۰/۶۸۳	۱	-۱
۲۲	مردگریز	۱	زن‌گریز زن‌گریزی	۴	-	۰/۱۸۰	-۱/۵	۱/۵
۲۳	مردمحور مردمحورانه مردمحوری	۵	زن‌محور زن‌محوری	۱۸	-	۰/۰۰۷	-۶/۵	۶/۵
۲۴	مردنما	۳	زن‌نما	۱۵	*			
۲۵	نامرد	۸۲	نازن	۱	-	۰/۰۰۰	۴۰/۵	-۴۰/۵

منفی بودن به معنای ناپسند بودن یا تحقیر نیست بلکه به معنای عدم پذیرش خانواده‌های زن سرپرست در جامعه است. چهار گروه از جفت‌واژه‌ها نیز تفاوت فراوانی قابل‌توجهی دارند. گروه اول جفت‌واژه‌های دولت‌مرد-دولت‌زن است که اختلاف بالای آن‌ها به دلیل عدم حضور زنان در حوزه سیاست و نبود واژه دولت‌زن در متون سیاسی است و گروه دوم جفت‌واژه‌های پیرمرد-پیرزن است که با بررسی در متن مشخص شد این تفاوت به این دلیل است که زنان سنین بالا بیشتر با واژه زن یاد شده‌اند در حالی که مردان سنین بالا بیشتر موارد با همان واژه پیرمرد ظهور یافته‌اند. این تفاوت ناشی از تأثیرات فرهنگی اجتماعی است که واژه پیرزن با تداعی معنایی از کارافتادگی و عدم زیبایی همراه است و زنان این‌گونه خطاب شدن را نمی‌پسندند؛ اما در جامعه‌ای که زیبایی معیاری برای قضاوت مردان نیست واژه پیرمرد به راحتی برای خطاب مردان در سنین بالا به کار می‌رود. در گروه مردکشی-زن‌کشی نیز با بررسی پیکره مشخص شد که اختلاف این واژگان به دلیل متون خبری حوادث بوده‌است که در بیشتر حوادث زن مقتول و قربانی حادثه بوده‌است. در گروه مردسالار-زن‌سالار نیز با بررسی پیکره مشخص شد که اختلاف این واژگان به دلیل متون اجتماعی و بررسی ساختار خانواده در جامعه بوده‌است. در این متون واژه مردسالار به دلیل غالب بودن ساختار خانوادگی مردسالاری در جامعه مرتب تکرار شده‌است. در این متون موضوع مردسالاری از جنبه‌های مختلف بررسی شده‌است و تکرار این واژه را در پیکره بالا برده‌است.

بخش چهارم

از نکات قابل‌توجه در جدول ۳ و ۴ تنوع در قطبیت منفی سرواژه‌هاست. در جدول ۱۴ به این تنوع اشاره می‌شود:

جدول ۱۴. تنوع قطبیت منفی

ردیف	نوع منفی	تکواژ	فراوانی نوعی	فراوانی موردی
۱	خصوصیت فردی	زن	۵	۵۰
	منفی	مرد	۱۶	۷۲۱
۲	هدف پدیده‌ای	زن	۲۰	۱۷۵
	منفی	مرد	۷	۲۹
۳	دریافت حقی نابجا	زن	۷	۸۵
		مرد	۹	۶۳۴
۴	تمسخر	زن	۸	۵۶
		مرد	۰	۰

مطابق با جدول ۱۳ در ۲۵ گروه، واژه‌هایی مشترک از هر دو گروه سرواژه‌های مرد و زن وجود داشته‌است. در تمامی مواردی که قطبیت معنایی مثبت بوده‌است فراوانی واژگان گروه مرد بیشتر است اما در موارد منفی و خنثی گاهی فراوانی گروه واژگان زن بیشتر و گاهی فراوانی گروه واژگان مرد. پس به‌منظور بررسی معنادار بودن اختلاف فراوانی میان گروه زن و مرد، هر جفت‌واژه با آزمون آماری مجذور خی تک‌نمونه‌ای بررسی شده‌است. از ۲۵ گروه جدول، در ۴ گروه، باوجود اینکه تکواژ مرد و زن تکواژ یکسانی دریافت کرده‌اند بار معنایی متفاوتی پیدا کرده‌اند؛ این موارد که در جدول با علامت * مشخص شده‌اند در تحلیل بعد بررسی خواهند شد. از ۲۱ گروه باقی‌مانده، ۷ جفت‌واژه عدد معنادار بالاتر از ۰/۰۵ داشته‌اند و از تحلیل آماری حذف شده‌اند. از ۱۴ جفت‌واژه که عدد معنادار کمتر از ۰/۰۵ داشته‌اند، در ۱۰ گروه سرواژه‌های مرد ارتباط بیشتری با فراوانی مورد انتظار داشته‌اند و در ۴ گروه سرواژه‌های زن. هر ۴ گروه سرواژه‌های زن قطبیت منفی داشته‌اند اما در سرواژه‌های مرد ۵ مورد مثبت، ۴ مورد منفی و ۱ مورد خنثی بوده‌است. می‌توان گفت حتی در سرواژه‌هایی که بین گروه مرد و زن مشترک هستند نیز فراوانی مثبت واژگان مرد و فراوانی منفی واژگان زن بیشتر است.

چنانچه گفته شد از ۲۵ گروه جدول، در ۴ گروه، قطبیت معنایی تغییر کرده‌است که در ادامه بررسی می‌شود. در گروه زن‌صفتی-مردصفتی واژه زن‌صفت برای تحقیر مردان به کار برده می‌شود و منفی است در حالی که مردصفتی در ستایش اخلاقیات مردان و حتی گاهی زنان به کار می‌رود. در گروه زن‌نما-مردنما واژه زن‌نما برای تحقیر مردان به کار برده می‌شود و منفی است در حالی که مردنما واژه‌ای خنثی برای زنانی است که ظاهری مردانه دارند. در گروه مردانگی-زنانگی، واژه مردانگی مثبت و در ستایش اخلاقیات مردان و حتی گاهی زنان به کار می‌رود؛ در حالی که زنانگی واژه‌ای خنثی برای عواطف و رفتارهای زنان است. گروه مردسرپرست-زن‌سرپرست به دلیل انتظارات جامعه قطبیت معنایی متفاوتی پیدا کرده‌است. در حالت بی‌نشان در جامعه، مرد، سرپرست خانواده است و به همین دلیل در این پیکره واژه مردسرپرست به تک‌نمود تبدیل شده‌است. تک‌نمود واژه‌ای است که تنها یک‌بار در متن یا پیکره به کار می‌رود و متعلق به واژه‌های تثبیت‌شده زبان نیست (بوی، ۲۰۰۷). پس این واژه خنثی است اما واژه زن‌سرپرست منفی است؛ این

جنسیت‌گرایی در زبان کمک کرده‌است.

بخش پنجم

با توجه به جدول‌های ۳ و ۴ در ساخت نام‌های خانوادگی تنها تکواژ مرد و بیشتر با معنای مثبت به کار رفته‌است مانند *اسلام‌مردانی*، *جان‌مردی*، *جوان‌مردی*، *خدا‌مردی*، *دلاورمردی*، *علی‌مردانی*، *مردان‌پور* و غیره. هم‌چنین در ساخت نام محله یا شهرستان تنها از تکواژ مرد استفاده شده‌است مانند *چهارمردان* و *مردآباد*.

برخی واژگان چون *رادمرد*، *جوان‌مرد*، *دلیرمرد*، *خردمرد*، *دلاورمرد*، *سیاست‌مرد*، *فرهنگ‌مرد* و *غیورمرد* نیز با وجود داشتن فراوانی بالا در گروه واژگان مرد، در گروه واژگان زن هیچ معادلی نداشته‌اند. این واژگان که محتوایی مثبت مرتبط با شجاعت، قدرت و خردمندی دارند تنها برای مردان در ساخت‌واژه فارسی به کار رفته‌اند و بازتابی از دیدگاه جامعه ایرانی را نشان می‌دهند که زنان در آن فاقد شجاعت و قدرت و خرد پنداشته می‌شوند و مردان در این صفات جنسیت برتر شمرده می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی آثار ایرانی مرتبط با جنسیت‌گرایی نشان داد که بیشتر آثار این حوزه همچون *نعمتی (۱۳۸۲)*، *جان‌نژاد (۱۳۸۵)*، *مؤمنی و سیف‌اللهی (۱۳۸۷)* و *داوری اردکانی و عیار (۱۳۸۷)* به بررسی تفاوت‌های سبکی زنان و مردان در استفاده از صورت‌های زبانی خاص پرداخته‌اند و مطالعات اندکی همچون *علی‌نژاد (۱۳۸۴)*، *محمودی بختیاری و همکاران (۱۳۹۰)* و *میرسعیدی (۱۳۹۱)* همراستا با موضوع پژوهش حاضر به بررسی تظاهر هر جنسیت در زبان فارسی پرداخته‌اند. اما در آثار غیرایرانی برخلاف آثار ایرانی مطالعات بسیاری تظاهر هر جنسیت را در زبان بررسی کرده‌اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی پیکره‌بنیاد جنسیت‌گرایی در ساخت‌واژه زبان فارسی صورت پذیرفت و بدین منظور تمامی واژگان حاوی تکواژ زن و مرد به همراه بافت متنی آنها از پیکره همشهری ۲ استخراج گردید و در نهایت بر پایه بررسی‌های معنایی و آماری داده‌ها نتایج زیر به دست آمد: در زبان فارسی تنوع واژگانی در واژه‌های ساخته‌شده با تکواژ مرد (فراوانی نوعی) به طور معناداری بیشتر از واژه‌های ساخته‌شده با تکواژ زن است و در هنگام ساخت واژگان، خصیصه‌های مثبت به طور معناداری با تکواژ مرد و خصیصه‌های منفی به طرز معناداری با تکواژ زن بازنمایی

در ردیف اول جدول ۱۴ واژگانی چون *خاله‌زنک*، *خاله‌زنکی*، *زنک*، *زنیکه*، *نازن* در گروه زن و *خرمردرد*، *غیرجوانمردانه*، *مردرند*، *مردک*، *مردکه*، *مردیکه*، *ناجوانمرد*، *ناجوانمردانه*، *ناجوانمردی*، *نامرد*، *نامردانگی*، *نامردانه*، *نامردی*، *جاهل‌مرد*، *مست‌مرد*، *کافر‌مرد* در گروه مرد حضور دارند که بر خصوصیتی منفی دارنده آن صفت تأکید دارند که تنوع و فراوانی این کلمات چنان‌که در جدول ۱۴ مشخص است در گروه مرد بسیار بیشتر است.

در ردیف دوم جدول ۱۴ واژگانی چون *زن‌آزاری*، *زن‌آزار*، *زن‌بارگی*، *زن‌باره*، *زن‌بازی*، *زن‌ستیز*، *زن‌ستیزانه*، *زن‌ستیزی*، *زن‌کش*، *زن‌کشی*، *زن‌گریز*، *زن‌گریزی*، *زن‌نواز*، *ضد‌زن*، *ضد‌زنی*، *زن‌زدایی*، *چندزنه*، *چندزنی*، *دوزنه*، *سه‌زنه* در گروه زن و *مردستیزانه*، *مردستیزی*، *مردکشی*، *مردگریز*، *مردگداز*، *ضد‌مرد*، *ضد‌مردانه* در گروه مرد قرار دارند که زن و مرد خود هدف امری منفی، ناپسند و یا خشونت‌آمیز قرار گرفته‌اند. در این گروه از کلمات تنوع و فراوانی کلمات گروه زن بسیار بیشتر است.

در ردیف سوم جدول ۱۴ واژگانی چون *زن‌سالار*، *زن‌سالارانه*، *زن‌سالاری*، *زن‌گرا*، *زن‌گرایانه*، *زن‌محوری*، *زن‌محور* در گروه زن و *مردسالار*، *مردسالارانه*، *مردسالاری*، *مردگرا*، *مردگرایانه*، *مردگرایی*، *مردمحوری*، *مردمحور*، *مردمحورانه* در گروه مرد قرار دارند که شاهد اعطای حقوقی نامتوازن به یک جنسیت و سلب آن از گروه دیگر هستیم که مصداقی از جنسیت‌گرایی است. در این گروه از کلمات نیز فراوانی واژگان گروه مرد بسیار بیشتر است که شاهدهی دیگر بر تجلی جنسیت‌گرایی جامعه ایرانی در زبان فارسی است.

در ردیف چهارم جدول نیز واژگانی چون *زن‌پوش*، *زن‌پوشی*، *زن‌ذلیل*، *زن‌ذیلی*، *زن‌صفت*، *زن‌صفتی*، *زن‌نما*، *زن‌پرست* در گروه زن قرار می‌گیرند که معادلی منفی در گروه مرد ندارند. این واژگان برای تمسخر و یا تحقیر مردان به کار برده می‌شوند.

بنا بر آنچه بیان شد، می‌توان عنوان کرد که فراوانی واژگان منفی گروه زن نه به دلیل برخورداری زنان از صفات و مشخصه‌های منفی است بلکه به دلیل تمسخر و تحقیر آنان و سلب حقوقی از آنها در جامعه است که این تبعیض در جامعه در زبان نیز تجلی یافته‌است و ظهور منفی واژگان گروه زن در زبان را بیشتر از واژگان گروه مرد، کرده‌است. هم‌چنین زنان در جامعه بیشتر از مردان هدف پدیده‌های منفی قرار می‌گیرند و این امر نیز به شکل‌گیری گفتمان

می‌توان به مواردی از وجود این پدیده اشاره نمود؛ اما هرگز نمی‌توان مشخص کرد که آیا میزان وقوع این پدیده به لحاظ آماری آن قدر زیاد هست که بتوان آن را معنادار دانست یا خیر. همچنین تا آنجا که نگارندگان برسی نموده‌اند اگرچه پژوهش‌های متعددی همچون هولمز (۲۰۰۱)، پیرس (۲۰۰۸)، ری (۲۰۱۴) و پرز-ساباتر (۲۰۱۵) به بررسی پیکره‌بنیاد جنسیت‌گرایی در زبان‌های دیگر پرداخته‌اند و وجود گفتمان جنسیت‌گرا را با استفاده از مفاهیمی همچون همابندی، برچسب نقش‌های معنایی، طبقه‌بندی‌های معنایی و ... نشان داده‌اند و عمدتاً بر فرودست بودن زنان به لحاظ جایگاه اجتماعی نسبت به مردان تأکید کرده‌اند؛ اما هیچ یک در زمینه بررسی جنسیت‌گرایی به ساخت‌واژه زبان به این شکل و در این حجم از داده، نپرداخته‌اند. جزئیات مربوط به هر یک از آثار ذکرشده در پیشینه پژوهش ارائه شده‌است و ذکر مجدد آن در این بخش پرهیز می‌شود.

در نتیجه این آمار و اطلاعات به نظر می‌رسد می‌توان ساخت‌واژه زبان فارسی را جنسیت‌گرا دانست. از آنجاکه زبان تجلی‌گاه ایدئولوژی است، جنسیت‌گرایی در جامعه ایرانی در زبان فارسی ظهور یافته است و تکرار این واژگان در زبان، گفتمان جنسیت‌گرایی را در جامعه ایرانی تقویت کرده‌است.

فارسی. ادب و زبان فارسی، ۲۲، ۸۱-۱۰۴.

محمودی بختیاری، بهروز، افخمی، علی. و تاج‌آبادی، فرزانه. (۱۳۹۰). بازتاب اندیشه مردسالارانه در زبان فارسی: پژوهشی در جامعه‌شناسی. زن در فرهنگ و هنر، ۲(۴)، ۹۱-۱۰۷.

مؤمنی، مریم. و سیف‌اللهی، حسین. (۱۳۸۷). زبان و جنسیت. بازتاب اندیشه، ۹۶، ۶۶-۷۱.

میرسعیدی، عاطفه. (۱۳۹۱). فارسی کنونی به‌عنوان یک زبان جنسیت‌گرا. دو فصلنامه علمی-پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)، ۳(۶)، ۲۰۱-۲۲۲.

نعمتی، آزاده. (۱۳۸۲). تحلیلی بر تفاوت‌های زبانی زنان و مردان، تحقیقی در جامعه‌شناسی زبان. مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، ۵، ۷۳-۹۲.

می‌شوند. حتی در سرواژه‌هایی که بین گروه مرد و زن مشترک هستند نیز فراوانی مثبت واژگان مرد و فراوانی منفی واژگان زن بیشتر است. به علاوه، در نام‌های خانوادگی و نام محل‌ها که بخشی از هویت فردی و اجتماعی هستند و بر نگرش افراد در ارزش‌گذاری جنسیت‌ها تأثیر می‌گذارند، تنها از تکواژ مرد استفاده می‌شود. نکته دیگر آنکه بیشتر واژگان منفی گروه زن برای تحقیر مردان به کار برده می‌شود. مشاهدات مذکور را می‌توان نتیجه فرودست بودن زنان و فرادست بودن مردان به لحاظ اجتماعی دانست. در جامعه‌ای که زن جایگاهی پایینی در اجتماع دارد، شباهت به او برای تحقیر و کوچک شمردن افراد استفاده می‌شود. اگرچه در آثاری همچون علی‌نژاد (۱۳۸۴)، محمودی بختیاری و همکاران (۱۳۹۰) و میرسعیدی (۱۳۹۱) نیز تمایلات جنسیت‌گرا در زبان فارسی و فرودست بودن زنان به لحاظ جایگاه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است، اما این نتیجه از بررسی‌های شمی و موردی به دست آمده‌است و همچون اثر حاضر بر مبنای تحلیل‌های فراوانی‌بنیاد و آماری در حجم بزرگی از داده‌های زبانی نبوده است. اشاره به وجود پدیده‌ای همچون جنسیت‌گرایی در زبان با در نظر گرفتن میزان وقوع این پدیده تفاوت دارد. در پژوهش‌های غیرآماري و شمی

منابع

پاک‌نهاد جبروتی، مریم. (۱۳۷۹). فرادستی و فرودستی در زبان. مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، ۹۱، ۱۰۳-۱۲۵.

جان نژاد، محسن. (۱۳۸۵). تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در برخی از موقعیت‌های تعامل مکالمه‌ای بر پایه میزان کلام. پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۳۴، ۳۱-۴۶.

داوری اردکانی، نگار. و عیار، عطیه. (۱۳۸۷). کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناسی جنسیت. مطالعات راهبردی زنان، ۴۲، ۱۶۲-۱۸۱.

صفوی، کوروش. (۱۳۹۲). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: انتشارات سوره مهر.

علی‌نژاد، بتول. (۱۳۸۴). مبانی شناختی مقوله جنس در زبان

AleAhmad, A., Amiri, H., Darrudi, E., Rahgozar, M., & Oroumchian, F. (2009). Hamshahri: A standard Persian text collection. *Knowledge-Based Systems*, 22(5), 382-387.

Anthony, L. (2014). AntConc (Version 3.4.3) [Computer Software]. Tokyo: Waseda University, Retrieved from <http://www.laurenceanthony.net/software/antconc/>.

Assi, S. M. (1997). Farsi linguistic database

- (FLDB). *International Journal of Lexicography*, 10(3), 5.
- Baker, P. (2006). *Using corpora in discourse analysis*. New York: Bloomsbury Publishing.
- Baker, P. (2010). *Sociolinguistics and corpus linguistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Baker, P. (2017). *Corpus-based discourse analysis* [Video lecture]. Retrieved from https://www.futurelearn.com/courses/corpus-linguistics/5/register?utm_campaign=corpus-linguistics_5&utm_content=GoToWeek_3&utm_medium=futurelearn_organic_email&utm_source=CRM_email&utm_term=CP_1_WTW_w3.
- Bijankhan, M., Sheykhzadegan, J., Bahrani, M., & Ghayoomi, M. (2011). Lessons from building a Persian written corpus: Peykare. *Language resources and evaluation*, 45(2), 143-164.
- Bolinger, D. (1980). *Language, the loaded weapon*. London: Longman.
- Booij, G. (2007). *The grammar of words: An Introduction to morphology*. New York: Oxford University Press.
- Burr, V. (1995). *An introduction to social constructionism*. London: Routledge.
- Foucault, M. (1972). *The archaeology of knowledge*. London: Tavistock.
- Fuertes-Olivera, P. A. (2007). A corpus-based view of lexical gender in written Business English. *English for Specific Purposes*, 26(2), 219-234.
- Holmes, J. (2001). A corpus-based view of gender in New Zealand. In Hellinger, M., & Bußmann, H. (Eds.), *Gender across Languages* (pp. 115-136). Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Hunston, S. (2002). *Corpora in applied linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Johnstone, B. (2008). *Discourse analysis*. Tehran: Rahnama.
- Lakoff, R. (1975). *Language and woman's place*. New York: Harper Colophon.
- Lei, X. (2006). Sexism in language. *Journal of Language and Linguistics*, 5(1), 87-94.
- Litosseliti, L. (2006). *Gender and language theory and practice*. London: Hodder Arnold.
- McEnery, T., & Hardie, A. (2012). *Corpus linguistics: Method, theory and practice*. New York: Cambridge University Press.
- Parker, I. (1992). *Discourse dynamics: Critical analysis for social and individual psychology*. London: Routledge.
- Partington, A. (2006). *The linguistics of laughter: A corpus-assisted study of laughter-talk*. London: Routledge.
- Pearce, M. (2008). Investigating the collocational behaviour of man and woman in the British National Corpus using Sketch Engine 1. *Corpora*, 3(1), 1-29.
- Pérez-Sabater, C. (2015). Research on sexist language in EFL literature: towards a non-sexist approach. In *Porta Linguarum. Revista Internacional de Didáctica de las Lenguas Extranjeras*, 23(1), 187-203.
- Rey, J. M. (2014). Changing gender roles in popular culture. *Variation in English: Multi-dimensional Studies*, 138.
- Stubbs, M. (1983). *Discourse analysis: The sociolinguistic analysis of natural language* (Vol. 4). University of Chicago Press.
- Stubbs, M. (1996). *Text and corpus analysis: Computer-assisted studies of language and culture*. Oxford: Blackwell.